اعوذ بالله من الشيطن الرجيم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۰۳)

رشد معنوی (۷)

نماز و سبک زندگی (۵)

مدیتیشن و یوگا ضد نماز هستند

معمولا وقتی از مدیتیشن صحبت میشود، مردم فکر میکنند که مدیتشین یک نوع عبادت است و یوگا هم چیزی مثل نماز است. غافل از آنکه مدیتیشن و یوگا دقیقا مخالف عبادت و نماز هستند. همانطور که از معانی کلمه مدیتیشن (خودپویی، درون کاوی، ذهن آگاهی، مراقبه، میانبر ، واسطه گردانی و واسطه گرائی و ...) پیداست، یعنی در معنویت رحمانی دخالت کردن و برای بدست

آوردن معنویت، میانبر زدن. اسم این میانبر و واسطه را مدیتیشن می نامند. مدیتیشن یک نوع روش میانبر برای رسیدن به یک معنویت خاص و یا یک حالت روانی خاص است.

مثلا معنویت رحمانی در مقابل بیماریها، درمان از طریق پایه بدنی را پیشنهاد میدهد. درمان از پایه همیشه زمانبر است و صبر می طلبد. ایوب برای درمان، روش از پایه را انتخاب کرد و به همین خاطر به صفت صبر مشهور شد.

اما مدیتیشن میگوید که یک روش کوتاه دارد و آن هم این است که فلان قرص را بخورید تا همان حالت به ظاهر خوب را پیدا کنید. در مدیتیشن، رسیدن به هدف با هر وسیله و با هر روشی مطرح است. اما در روش رحمانی؛ این مساله معتبر نیست و بلکه رشد معنوی مهم است.

شیطان در مقابل مفهوم عبادت، مدیتیشن را مطرح کرد؛ تا چیزی برای مقابله داشته باشد. در سلوک‌های شیطانی، معانی و مفاهیم منحرف می‌شوند. نماز به خلوت و سکوت تبدیل می‌شود، روزه به ریاضت تغییر معنا می‌دهد، زکات به افراط و تفریط تبدیل می‌شود، حج به سفر ثروتمندان تبدیل می‌شود. این نوع سلوکها آشتی بین خیر و شر هستند. هر کدام از مفاهیم عبادی را به حالت افراط و تفرط ببرید، مفاهیم دیگری تولید میشوند که ضد مفهوم اصلی میشوند.

مفاهیمی مثل عشق و مدیتیشن معمولا، آشتی با شرّ را در خود دارند. مثلا وقتی یکی در پروفایل خود می گوید : عاشق همه انسان‌ها باش؛ این جمله عشق را تبلیغ میکند. در ظاهر دوستی را مطرح میکند ولی به نوعی آشتی بین خیر و شر هم هست.

صلح درونی که در عرفان مطرح میشود، یعنی صلح با نفس اماره. دعانویس با نیروهای شرّ آشتی میکند و از آنها کمک میخواهد. اینها همگی از کلمات دوستی، صلح، کمک سوء استفاده میکنند. جهنم هم آشتی با نار است. انسانها از همین دنیای فانی برای تحمل آتش جهنم، تلاش میکنند تا به آن عادت کنند.

آیه 2:175

أُولَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُا۟ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ وَٱلْعَذَابَ بِٱلْمَغْفِرَةِ ۚ فَمَآ أَصْبَرَهُمْ عَلَى ٱلنَّارِ

اینان کسانی هستند که گمراهی را به (بهای) هدایت و عذاب را به (بهای) آمرزش خریدند، پس بر آتش (دوزخ) چه شکیبا هستند!

استفاده از مفاهیم شرّ، وحدت با موسسین این معانی است. همانطور که تن دادن به رسومات غلط و جاهلیت یعنی آشتی با موسسین این رسومات غلط و

جاهلیت. اما بعضی مواقع هم انسانها تن به این وحدت ها میدهند. نوچه‌ها با لات بزرگ صلح می‌کنند، فقط به این خاطر که از گزند او در امان باشند. جهنم هم حالت کشندگی دارد که همه مثل نوچه تسلیم اویند.

یوگا و مدیتیشن، میخواهند که در سیستم و نظام رحمانی دخالت کنند و در این سیستم میانبر بزنند. مثلا هورمونهای بدن انسان، توسط خود بدن ما تولید میشوند و میزان آن را خود بدن ما میداند، به چه مقدار و چطوری تولید کند. یوگا دخالت در میزان و چگونگی ترشح این هورمونهاست. به این طریق در ظاهر شاید یوگا خوشی هایی با خود بیاورد، اما مثل مخدر است که مقدار نامیزان و نامتعادلی از آن را تولید میکند. شادی بی خود و الکی، غم بی خود و الکی و نابهنگام، گریه های نابهنگام، خنده های بی وقت و ... همگی ناشی از دخالت در همین هورمونهاست. دخالت در این هورمونها ، توهم زایی میکنند. خنده خوب است ، اما خنده زیاد و بی جا یک نوع توهم است. ظاهرا هر دو اسمش خنده است، ولی دومی چون نامتعادل است، حتی میتواند یهو به گریه تبدیل شود. عبادت واقعی میخواهند ما را از خنده نوع دوم بازدارند. اما مدیتیشن خنده نوع دوم را در لیست خود دارد.

آدمی اگر حتی در طریق تنفس و ضربان قلب خود دخالت کند، ممکن است آن را خراب کند و قلب خود را دچار مشکل کند. که موارد زیادی در میان یوگا کاران پیش آمده است. کافی است که معنویتی که خدا آن را به ما معرفی

کرده است را اجرا کنیم، همه چیز خودش تنظیم میشود. این همان توکل به خدای رحمان است. و اوست که من را می خنداد و می گریاند و اوست که من را طعام میدهد و سیراب می کند. اوست که عطش مرا می گیرد. اوست که می میراند و زنده میکند و اوست که ... اینها جملات طلایی پیامبر ابراهیم است که ثابت میکند که ما این موارد را باید دست خدا بسپاریم و بوسیله مدیتیشن و راههای میانبر در چگونگی آن دخالت نکنیم.

اگر انسان در این جزئیات، دخالت کند، نتایج غیر قابل پذیرشی می گیرد و تنظیمات خودش را خراب میکند. کسی که مشروب می خورد، در ظاهر میخواهد میزان هورمون شادی خود را بالا ببرد ولی همیشه در نود درصد موارد کارها خراب میشود. چیزی که ضررش از فایده اش بیشتر است، نباید استفاده شود. یوگا و مدیتیشن ضررشان از فایده شان بیشتر است. همانطور که ضرر مشروب الکلی از فایده اش بیشتر است. مردم فایده بسیار کم مدیتیشن و یوگا را مطرح میکنند که در مقابل ضررات آن، چیزی بحساب نمی آید.

مدیتیشن فرصت‌ها را می‌سوزاند. زیرا هرگونه مشکل و بیماری در مسائل روزمره را می توانیم به روشهای طبیعی و رحمانی حل کنیم و این‌ها فرصت‌هایی هستند که خدا در اختیار ما قرار می‌دهد تا با روش‌های طبیعی

آن را حل کنیم. اما مدیتیشن روشهای میانبر ارائه میدهد و این فرصت‌ها را از ما می‌گیرد.

مثلا ما کمبود و ویتامین دی سی داریم که اگر از داروخانه برای حل مشکل استفاده کنید، حل نخواهد شد زیرا ویتامین دی سه موجود در بازار فقط یک نوع از انواع ویتامین دی سه هست. اما وقتی زیر آفتاب بروید بدن ما خودش آنچه را که لازم دارد می‌گیرد. اگر شما باشید، کدام روش را پیشنهاد میدهید؟ خوردن قرص یا زیر خورشید رفتن؟ زیر آفتاب رفتن، نیاز به وقت دارد، پوست ممکن است کمی سیاه شود. اما قرص راحت تر است. کسی که قرص را انتخاب میکند، یعنی مدیتیشن کرده است، یک روش حل میانبر برای یک مشکل انتخاب کرده است. این روش میانبر ما را از طبیعت رحمانی دور میکند و انسان را مصنوعی بار می آورد و علاوه بر آن پایه های بدنی ما را ضعیف می کند و جریانی برخلاف نظام رحمانی به ما قالب میکند. وقتی برای یک مشکل، روش حل طبیعی و رحمانی وجود دارد، دیگر نباید روشهای مدیتیشن و میانبر استفاده شود.

یا کسانی که در بدنسازی انواع پروتئین‌های آماده مصرف می‌کنند، مشکلشان بیشتر خواهد شد. زیرا انواع پروتئین‌های مختلف موجود است، یکی دو تا نیست و هیچ کدام از این‌ها نیاز بدنی مصرف کننده را حل نمی‌کنند و فقط در بدن انباشته می‌شوند. اما اگر پروتئین طبیعی بخورید و اسراف هم نشود؛ بدن

خودش می‌داند که چکار کند. بدن خودش آن چیزی را می گیرد که باید بگیرد.

قرص آهن در تمام دنیا تقریبا همش یکیست. اما آهنی که در مواد غذایی وجود دارد، هر کدام با دیگری متفاوت است و عقل سالم می‌گوید که اخذ آهن از راه طبیعی خیلی سالمتر است. افراد در مدیتیشن عمیق می‌شوند و طبق فرمول‌های ناقص خود عمل می‌کنند و در نتیجه به آنچه که می‌خواهند نمی‌رسند.

کسانی که مدیتیشن می‌کنند، در پایین ترین سطح فرکانسی به آرامش می‌رسند؛ در حالی که در نظام رحمانی باید در گیرودار کار روزانه به آرامش برسید. مدیتیشن آدمی را ضعیف‌تر می‌کند در حالی که می‌بایست قوی‌تر می‌کرد. مثلا می‌گویند محیط باید نور نداشته باشد، هیچ صدایی نداشته باشد، آهنگ مخصوصی باید پخش شود و شرایط بخصوص دیگری که حساسیت آنها را بالا می‌برد. آنها به درجات پایین فرکانسی عادت می‌کنند و خود به خود در آلفا فرو می‌روند و به این طریق به نظام فرکانسیی عادت میکنند که در نظام رحمانی به ندرت یافت میشود و در نتیجه به مشکل بر میخورند و با نظام رحمانی خصومت پیدا میکنند و بیشتر شرایط برای آنان نایاب میشود. پایین‌ترین درجه فرکانس همیشه در دسترس نیست و بعضی مواقع نیافتنی است. مثل معتادی که اگر اعصابش خرد شود، باید دوباره خود را خمار کند.

ممکن است در آن لحظه در دسترسش نباشد. زیرا ایجاد خماری شرایط و مواد مخصوص خود را لازم دارد.

مدیتیشن یک نوع میانبر است که ظاهرا زود به نتیجه می‌رسد ولی به احتمال قوی مشکل از یک جای دیگری سر در می‌آورد. کسانی که مدیتیشن می‌کنند با کوچک‌ترین درگیری و نزاع ممکن است که خود را دچار سکته قلبی کنند و تنظیماتشان را از دست دهند.

خدای رحمان فرصتهای زیادی طبق نظام رحمانی در اختیار ما قرار داده است؛ مثل روزه، وضو، نماز، زکات، پندار،کردار، گفتار نیک. اما روشهای اختراعی می‌خواهند که ما این‌ها را ول کنیم و راه‌های میانبر را برویم.

فرصت‌های زیادی به انسان داده شده است. زمستان تمام می‌شود، بهار می‌آید، بهار تمام می‌شود، تابستان می‌آید، تابستان تمام می‌شود، پاییز می‌آید و همینجوری شرایط را برای ما عوض می‌کند تا که از این فرصت‌ها استفاده کنیم و معنویت به دست آوریم و رشد یابیم.

یوگا سعی دارد که یک چشم دیگر یا یک زبان دیگر یا یک گوش دیگر به آدمی بدهد. چشم اضافی به چشم سوم تبدیل می‌شود و زبان اضافی به زبان دو پهلو و شعر تبدیل می‌شود و همچنین گوش اضافی به وسیله‌ای برای سماع و استماع از اجنه و حرف شنوی از آنان تبدیل می‌شود.

در سیستم خدا هیچگونه کلک و میان بری وجود ندارد. خدای رحمان دو چشم و دو لب و یک زبان به ما داده است و تغییر در اینها، تغییر در خلقت خداست.

آیه 90:8

أَلَمْ نَجْعَل لَّهُۥ عَيْنَيْنِ آیا برای او دو چشم قرار ندادیم،

آیه 90:9

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ و یک زبان و دو لب؟

قرآن می‌فرماید که جهنمیان در دنیا فرصت سوزی کردند و خود را با روشهای غلط مشغول کردند ولی حالا تقاضای برگشت به دنیا را دارند تا جبران کنند؛ ولی این فقط یک حرف بی پایه است و حتی همین حالا آنها را برگردانیم، دوباره همینها را بصورت بدتر مرتکب میشوند.

مدیتیشن آدم‌ها را خیال پرداز بار می‌آورد، تیپ می‌زند خیال می‌کند که همه به او توجه می‌کنند در حالی که همسر دارد؛ اما او برای یک موجود خیالی تلاش می‌کند . ممکن است که وجود خارجی هم نداشته باشد. تلاش او برای

مورد توجه واقع شدن یک نوع مدیتیشن است که به نتیجه نمی‌رسد. این روش غلطی برای رسیدن به آرامش است.

انسان می‌خواهد بدون در نظر گرفتن خدا، به آنچه که می‌خواهد برسد و می‌خواهد برخلاف نظام رحمانی شنا کند. تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است، تمام جانداران تسلیم خدا هستند و بر اساس فرمولی که خدا تعیین کرده است زندگی می‌کنند. انسان می‌خواهد چنین روالی را بشکند.

آیه 22:18

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُ لَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ ٱلنَّاسِۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيۡهِ ٱلۡعَذَابُۗ وَمَن يُهِنِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّكۡرِمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يَشَآءُ۩

آیا ندیدی که هر کس در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای الله سجده می‌کنند، و بسیارند که (فرمان) عذاب بر آنان تحقق یافته است، و هر که را الله خوار سازد، پس کسی او را گرامی نخواهد داشت، بی‌گمان الله هر چه را بخواهد، می‌کند.

بعضی‌ها بجای اینکه به سمت شرایط رحمانی بروند، سعی دارند شرایط رحمانی را به سوی خود بکشانند و آن را طبق شرایط مورد علاقه خود در بیاورند. کلا مدیتیشن چنین روالی را می‌خواهد رواج دهد. هدف از رحمانیت، این است که مورد رحمت و مغفرت خدای رحمان قرار گیریم. بسم الله الرحمن الرحیم چنین فرمولی است. اما وقتی طبق نظام رحمانی عمل نکنیم، یعنی الرحمان را در نظر نگرفته ایم و طبیعی است که مورد مغفرت الرحیم هم قرار نخواهیم گرفت. در عبارت بسم الله **الرحمن الرحیم**، کلمه الرحمن قبل از الرحیم آمده است و این یعنی برای اینکه شامل رحیمیت خدا شویم، باید طبق نظام الرحمن عمل کنیم و هیچ روش میانبری در این مسیر وجود ندارد. مدیتیشن میخواهد این فرآیند بسم الله الرحمن الرحیم را بشکند و آن را ناقص کند و یا آن را دور بزند.

خدای رحمان به ایوب فرمود که پایت را بر زمین بکوب، یعنی پایه‌های بدنی خویش را با زمین ونظام رحمانی هم دما کنید. آدمی وقتی پایش را برای اولین بار در آب سرد فرو می‌برد، ابتدا می‌ترسد؛ ولی کم کم ترسش می‌ریزد و عادت می‌کند (همراه با هر سختی، آسانیی است). خدا می‌خواهد ما به چنین شرایط رحمانی عادت کنیم. اما مدیتیشن افراد را بوسیله **همان سختی و ترس اولیه**، از نظام رحمانی دور میکند و آنها را جذب روشهای خود میکند. به این طریق بشر می‌خواهد هر آنچه که راه‌های پروردگار را طی می‌کند از بین ببرد.

در نظام رحمانی معما حل می شود. هر چقدر که طبق شرایط رحمانی عمل کنید، معماها ساده‌تر می‌شوند و راحتتر حل می‌شوند و به یقین می‌رسید. اما در مدیتیشن و روشهای میانبر، معماها پوشانده می‌شوند و همچنان حل نشده باقی می‌مانند. علاوه بر آن معماهای جدیدی ایجاد می‌شوند که قابل حل نیستند و در نتیجه شما را نسبت به نظام رحمانی بدگمان هم میکنند.

وقتی خدای رحمان شرایط بهشتی را برای ما توضیح می‌دهند، یعنی می‌خواهند ما را دنبال چنین شرایطی بفرستند؛ اما وقتی شرایط جهنم را برای ما توضیح می‌دهند؛ یعنی میخواهند ما را از آن دور نگه دارند.

همانطور که قبلا گفته شد، انسان اگر به روش‌های غلط یقین پیدا کند، وارد جهنم خواهد شد و این ثابت می‌کند که اگر به روشی عادت کنیم، بعد از مدتی به آن ایمان هم می‌آوریم. تکرار روش‌های غلط باعث می‌شود که شما به آن روش ایمان آورید و نسبت به آن یقین پیدا کنید و در آن صورت پندار شما کاملا تغییر خواهد کرد و شایستگی جهنم را پیدا خواهید کرد.

در جهنم وضعیت طوری است که وقتی مشکلات به پوسته می‌رسد، آن وقت متوجه موضوع می‌شوند. در جوامع دنیایی هم جلوی مشکلات را نمی‌گیرند و تلاشی برای حل آن هم نمی‌کنند؛ تا به بن بست بخورد و به پوسته جامعه برسد.

بدن ما طوری طراحی شده است که در مقابل مشکلات و ناملایمات، کنش‌ها و واکنش‌های مناسب را ایجاد می‌کند و ما را از آن آگاه می‌کند. این حالت خیلی خوب است. هشدار می‌دهد تا به فکر درمان آن باشیم. اما در جهنم مشکلات و نابسامانی‌ها تا جلدها و پوسته‌ها پیش می‌رود، طوری که آخر کار گندش در می‌آید و باید جلدش را عوض کنند و آن موقع بی‌فایده است.

کسی که بخواهد بدون عبادت و مناسک و خیلی زود و عجله‌ای به معنویت برسد، مثل کسی است که در امتحان تقلب می‌کند. کسی که در امتحان تقلب کند، قطعا اصل مسئله را درک نکرده است. بنابراین معنویت‌های فیک مثل مدیتیشن بوجود میایند. مدیتیشن هیچ تاثیر مثبتی روی افراد ندارد و آنها را برای روز آخرت آماده نمی‌کند. خدا را نمی توان فریب داد. خدا از انسان کسب معنویت واقعی میخواهد و روشهای فریبنده و میانبر مثل مدیتیشن را قبول نمی کند.